

زبان دوازدهم - درس سوم

absorb	جذب کردن	cool	خنک کردن / سرد شدن
air conditioner	دستگاه تهویه مطبوع	cooperate	همکاری کردن / یاری کردن
apply	درخواست کردن / به کار بردن	cost	هزینه / مخارج
balcony	بالکن	cross sth out	چیزی را خط زدن
basis	اساس / پایه	delivery	تحويل
be OK with/ by sb	مشکلی نداشتن با	demand	درخواست / تقاضا
bill	صورتحساب / اسکناس	dread	ترسیدن / وحشت کردن
blow	وزیدن / فوت کردن	environment	محیط / محیط زیست
broth	سوپ / آب گوشت	equivalent	معادل / مساوی
character	شخصیت / ماهیت	fall	افتادن / کاهش / بارش
China	چینی / چینی آلات	fan	طرفدار / پنکه
client	مشتری / موکل	fantastic	عالی / فوق العاده
cloth	پارچه / کهنه	feather	پر
coal	زغال سنگ / زغال	magic	جادو / جادوگری
collector	مجموعه دار / مامور وصول	margin	حاشیه
come up with sth	به جواب رسیدن / پول یا چیزی را تهیه کردن	mouth	دهان / دهانه
component	جزء / بخش / قطعه	namely	یعنی / به این معنی که
conclude	نتیجه گرفتن	natural gas	گاز طبیعی
consist of	تشکیل شدن / شامل	nonrenewable	تجدیدناپذیر
consume	مصرف کردن / صرف کردن	nuclear	هسته ای / اتمی

obey	اطاعت کردن / فرمان بردن	running water	آب جاری / آب تصفیه شده
oil	نفت / روغن	separate	جدا / مجزا
organic	طبیعی	shiny	براق / درخشان
panel	تابلو / صفحه	sight	بینایی / منظر
perfect	کامل / دقیق / عالی	solar	خورشیدی / شمسی
pollute	آلوده کردن / منحرف کردن	source	منبع / منشا / علت
power	قدرت / توان / به کار انداختن	spoil	فاسد شدن / لوس کردن
practical	عملی / مفید / قابل استفاده	stable	اصطبل / طویله
proverb	ضرب المثل	string	نخ / ریسمان / رشته
radiation	تابش / انرژی تابشی	succeed	موفق شدن
reduce	کاهش کردن / کم کردن	supply	تدارک / تهیه / تامین کردن
remind	یادآوری کردن	supporting	تایید کننده / مکمل
renewable	تجدید پذیر / قابل تمدید	take in	جذب کردن / به داخل کشیدن
replace	جایگزین کردن	tide	جزر و مد / موج
require	نیاز داشتن / ملزم کردن	tower	برج
result	نتیجه	truck	کامیون / ماشین باری
revolve	چرخیدن / چرخاندن	use up	تمام کردن / کامل مصرف کردن
rise	افزایش / طلوع / ترقی	variety	تنوع / گوناگونی
roof	سقف	warn	اخطار دادن
run	اداره کردن / جاری شدن	waste	زیاله / تلف کردن

fitness	سرحالی / شایستگی	lead	رهبری کردن / منجر شدن
flock	جمع شدن / ازدحام کردن	light	روشن کردن / روشن شدن
forever	همیشه / برای همیشه	likelihood	احتمال
formula	فرمول / روش	load	بار / ظرفیت / حجم کاری
fuel	سوخت / عامل محرک		
garbage	زباله / مزخرف		
generate	تولید کردن / به وجود آوردن		
give off	منتشر کردن / بیرون دادن		
global	جهانی / کلی		
global warming	گرمای جهانی		
gone	ناپدید / مرده / رفته		
gradually	به تدریج / کم کم		
hatch	از تخم بیرون آمدن		
heat	گرم کردن / گرما		
herd	گله		
hydropower	انرژی آبی		
inform	اطلاع دادن		
joint	مفصل / محل اتصال		
kinetic	جنبشی		
landfill	محل دفن زباله		

whether	که آیا	last	طول کشیدن / دوام آوردن
wind machine	آسیای بادی	other than	به جز / غیر از
wind turbine	ژنراتور بادی	outlet	پریز برق / خروجی
work out	بهبتر شدن / خوب از آب در آمدن	overcome	شکست دادن / چیره شدن
worm	کرم	plug	دوشاخه / به برق زدن
absence	فقدان / غیبت / نبود	portable	قابل انتقال
alternative	جایگزین / دیگر	remote	دور / دور افتاده
background	پیشینه / پیش زمینه	right	راست / فوری
benefit	سود / بهره / مزیت	roll	غلتیدن / به کار انداختن
community	جمعیت / گروه	select	انتخاب کردن / برگزیدن
constantly	دائما / پیوسته	store	انبار کردن / نذیره کردن
deal with	از عهده چیزی برآمدن	stove	اجاق گاز / بخاری
digest	فهمیدن / هضم کردن	turn	گشتن / چرخیدن / تبدیل کردن
disability	معلولیت / ناتوانی	veggie	سبزیجات / گیاه خوار
economy	اقتصاد / صرفه جویی		
fall asleep	به خواب رفتن		
flashlight	چراغ قوه / فلاش		
fond	دلبرسته / شیفته		
gadget	ابزار / وسیله / دستگاه		
gasoline / gas	بنزین		

موفق باشید